

نظر و گذری بر «هیئت رزمندگان اسلام از تأسیس تا پایان دوره اصلاحات»

تشکلی مذهبی برای حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی

■ شاهد توحیدی



پس از پایان جنگ تحمیلی، رزمندگان دوران دفاع مقدس از راه‌های مختلفی برای حفظ و ماندگاری فرهنگ آن دوره

استفاده کردند. یکی از این مسیرها، تشکیل هیئات رزمندگان اسلام در شهرهای مختلف بود. اوج فعالیت این هیئات به دوران موسوم به اصلاحات بازمی‌گشت که ارزش‌ها و افتخارات نظام مورد حمله قرار گرفت و زیر سؤال رفت؛ فعالیت این هیئت‌ها تا هم اینک بافت و خیزهای گوناگون ادامه دارد. اثر «هیئت رزمندگان اسلام، از تأسیس تا پایان دوره اصلاحات» می‌کوشد تا به تشریح تاریخچه این نهاد مذهبی – سیاسی بپردازد. این پژوهش به دست کمیل خجسته باقرزاده انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در معرفی این کتاب، نکات بی‌آمه را مورد اشارت قرار داده است:

«انقلاب‌ها برای استمرار خود به نهادهایی که بتوانند آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی را در بستر جامعه جاری ساخته و مبانی آن را ترویج نمایند، نیاز دارند. یکی از این نهادها برای تداوم ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، هیئت رزمندگان اسلام است. این هیئت به‌عنوان نهاد منتقل‌کننده آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، جایگاه مهمی را در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی در نظام اسلامی به دست آورده است. انگیزه تأسیس هیئت رزمندگان اسلام، مقابله با جریان تهاجم فرهنگی دهه ۷۰ در ایران بود. این نهاد محصول فرآیند، شرایط، تحولات و فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن دهه کشور بود. پس از سخنرانی رهبر



▲ آرم مشترک هیئت‌های رزمندگان اسلام در سراسر کشور

معظم انقلاب اسلامی درباره تهاجم فرهنگی در مهرماه سال ۱۳۶۸ و استمرار آن سخنان و مطالبه و پیگیری ایشان، بسترهای لازم برای شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های فرهنگی – اجتماعی این هیئت به‌وجود آمد. هیئت رزمندگان اسلام در شرایطی به وجود آمد که جامعه به‌شدت دچار خلأ معنوی، فرهنگی و مذهبی بود؛ چراز جنگ تحمیلی هشت‌ساله شده بود. پس از پایان جنگ و در دوران موسوم به سازندگی، حضور تکنوکرات‌ها در قدرت سبب شد تا مسیر عدالت‌طلبی فراموش شود و سپس در دوره اصلاحات نیز گفتمان حاکم بر دولت با عنوان توسعه‌سیاسی، فضای جامعه را سیاست‌زده کرد. تئورهای اصلاح‌طلب در این دوره به دنبال سکولاریسم بودند و مباحث جدی اندیشه‌ای درباره اصل وجودی جامعه مدنی، از نوع غربی آن را به راه انداخته بودند. در این اوضاع بود که هیئت رزمندگان اسلام پس از پیگیری‌های عده‌ای از رزمندگان هشت‌سال دفاع مقدس که نقش مؤثری در آن دفاع داشتند، اواسط دهه ۷۰متولد شد. نهاد هیئت

رزمندگان به مرور و مخصوصاً در نیمه دوم دهه ۷۰ و نیمه اول دهه ۸۰، نقش بسیار مؤثری در حفظ گفتمان انقلاب اسلامی در برابر حمله‌های مختلف ایفا کرد. هیئات رزمندگان با اندیشه و تفکر حفظ شعار دینی و ارزشی، در اکثر قریب به اتفاق شهرها تشکیل شد. این هیئات که سبک و سیاق آن اکثراً همان شیوه سنتی هیئت‌ها بود، در مناسبت‌ها و مراسم‌های مذهبی، سالگرد عملیات‌ها یا شهدا با برگزاری مراسم‌ها، باعت و بان‌ی تجمعات رزمندگان یگان‌های رزم، بسیجیان، خانواده شهدا و اینارگران و در مجموع اقشار مختلف امت حزب‌اللهی و منتدین بوده است. این هیئات به نسبت سایر هیئات محلی، قومی و طایفه‌ای، از رونق و نشاط مذهبی خاصی برخوردار بوده و ضمن برپایی مراسم‌ها و آیین‌های مذهبی، با حفظ ارزش‌های دوران دفاع مقدس و خاطره ماندگار آن برای حفظ و ترویج فرهنگ دفاع مقدس تلاش می‌کنند…»

■ **نیما احمدپور**

در ۱۷ فروردین ۱۳۶۱، رسانه‌ها خبر دستگیری صادق قطب‌زاده از کارگزاران سابق جمهوری اسلامی را به دلیل مشارکت مؤثر در فرآیند یک کودتا منتشر کردند. انتشار این خبر اما برای کسانی که مواضع دو سال اخیر نامیده را پیگیر بودند، چندان شوک آور نبود. چه اینکه قطب‌زاده مدتی بود علیه مسئولان نظام به موضع‌گیری می‌پرداخت. در مقال بی‌اسم‌سعی شده است بر بنیاد پارهای روایات و تحلیل‌ها، ماهیت و هدف کودتای یاد شده مورد بررسی قرار گیرد. امید آنکه مفید آید.

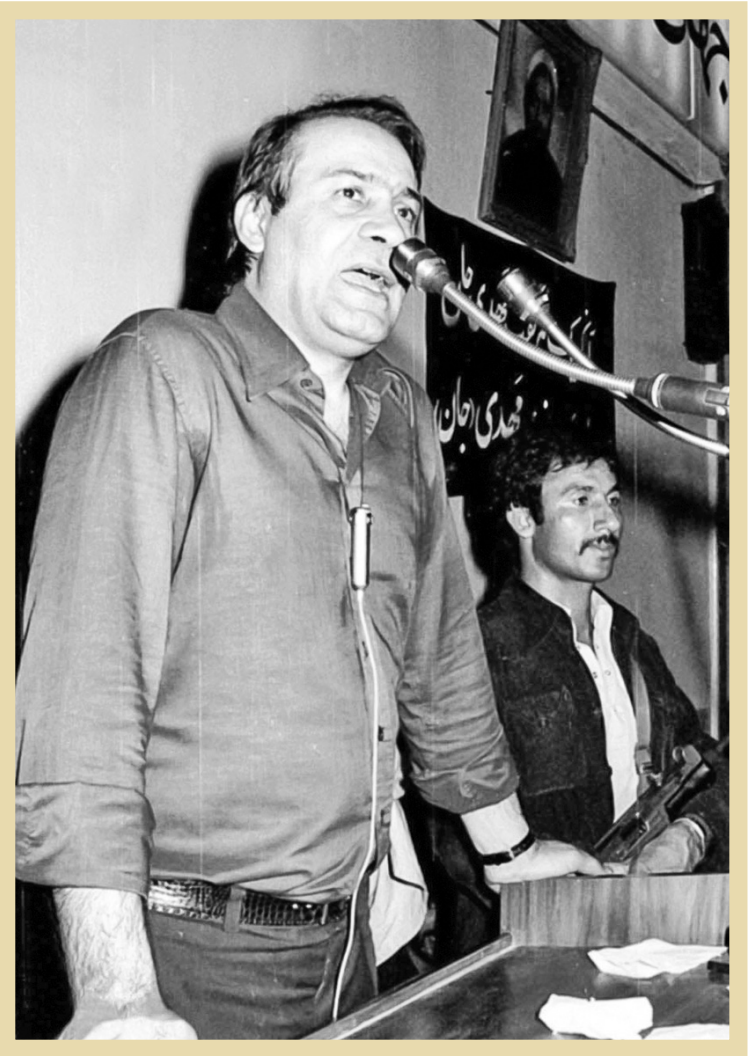
■ ■ ■

■ **قطب‌زاده که بود؟**

در آغاز سخن بهنگام می‌نماید که در سبب زمانه و کارنامه صادق قطب‌زاده سخن رود. تک‌نگاشته جامع کوتاهی که در این باب به شما تقدیم می‌شود، از سوی پورتال امام خمینی تهیه و ارائه شده است: «صادق قطب‌زاده (قطبی اصفهانی) فرزند حسین، در تاریخ چهارم اسفند ۱۳۱۴ در تهران متولد شد. پدرش یک تاجر بازاری بود. آخرین سال‌های تحصیلات متوسطه قطب‌زاده، مصادف با نهضت ملی شدن نفت بود که وی در جریان مبارزات ملی شدن صنعت نفت با جدیت شرکت می‌کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد، به عنوان نماینده دانش آموزان وارد نهضت مقاومت ملی شد و به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۳۷، برای ادامه تحصیل به امریکارت و در رشته زبان به تحصیل پرداخت، اما پس از مدتی به دلیل بر هم زدن جلسه سخنرانی اردشیر زاهدی در واشینگتن از امریکاخراج شد. پس از خروج از امریکا، قطب‌زاده بی در پی به کشورهای آسیایی، خاورمیانه و آفریقا مسافرت کرد. در سال ۱۳۴۳ به همراهی تنی چند از دوستانش به خاورمیانه عربی رفت و آنجا مبارزه مسلحانه را علیه رژیم ایران تمرین کرد. در سال ۱۳۴۶ مجدداً به امریکا مراجعت کرد و برای بار

«

مهم‌ترین درس کودتای قطب‌زاده بر خورداری از سوابق مثبت و انقلابی برای کسی مصونیت نمی‌آورد و حتی ممکن است چنین فردی به کودتا علیه نظام اسلامی نیز سوق یابد. از سوی دیگر دستگاه‌های امنیتی هم در برخورد با توطئه‌ها، پیشسینه افراد را در اعمال قانون دخالت نمی‌دهند و با چنین سواردی به تناسب و جدیت برخورد خواهند کرد



۱۳۵۸. هیئت‌به تهران، صادق قطب‌زاده در حال برادر سخنرانی



اعترافات صادق قطب‌زاده پس از دستگیری، تصور بسیط وی از براندازی را عیان کرد. همکاری با جمعی نامتجانس که هرگز نمی‌توانستند چنین حرکت خطیری را شکل دهند، لو رفتن خبر کودتا در میان بخشی از نخبگان سیاسی مدت‌ها قبل از وقوع آن، بر آورد ساده اند پشانه از قدرت نظام اسلامی در شکست حرکت‌های مشابه، صحت این برداشت را گواهی می‌کند. این امر بعدها مورد اذعان وی نیز قرار گرفت

صادق قطب‌زاده، مشارکت در کودتا علیه نظام جمهوری اسلامی روایت‌ها و تحلیل‌ها

می‌خواستیم با توپخانه و انفجار از داخل

بیت امام را منهدم کنیم!

دوم پس از چند ماهی از امریکاخراج شد و به ناچار به

کانادارفت. در سال ۱۳۴۸ مجدداً به اروپا و خاورمیانه بازگشت که از این تاریخ به بعد تمامی فعالیت‌های او منحصر به انجمن اسلامی دانشجویان در اروپا و نهضت مقاومت ملی فلسطین بود. پس از ورود امام به پاریس نیز قطب‌زاده از جمله کسانی بود که در کنار یاران رهبر انقلاب فعالیت می‌کرد. ساواک همواره به دنبال قطب‌زاده بود و حتی یک بار در ۱۳۵۳، برادر او را در ایران دستگیر کرد و به عنوان گروگان شش ماه در زندان نگه داشت، تا او خود را به ساواک معرفی کند، اما این کار بی‌نتیجه بود. وی در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، همراه امام به ایران آمد و در ابتدای پیروزی انقلاب از اعضای شورای انقلاب بود…»

■ **دستگیری آبان ۱۳۵۹ تا دستگیری**

فروردین ۱۳۶۱

صادق قطب‌زاده تا اوایل سال ۱۳۵۹، با همه افت و خیزهای مواضعش در زمره مسئولان نظام شناخته شده و ابواب جمعی جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت. با این همه پس از استقرار دولت شهید محمدعلی رجایی و خروج وی از دولت، رفته رفته به یکی از منتقدان و نهایتاً مخالفان مبدل شد. این باعث شد نخست در آبان ۱۳۵۹ بازداشت و پس از آزادی و طراحی کودتا در فروردین ۱۳۶۱ و برای آخرین بار دستگیر شود. در مقالی بر تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی در این فقره می‌خوانیم:

«در ۱۶ آبان ۱۳۵۹، صادق قطب‌زاده که بیشتر دارای مشاغلی چون عضویت شورای انقلاب، سرپرستی رادیو و تلویزیون و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی بود، پس از شرکت در یک مناظره تلویزیونی در شبکه دوم که طی آن نگرانی خود را از حاکمیت فاشیسم ابراز کرده بود، به دستور شهید اسدالله لاجوردی دادستان دادگاه انقلاب مرکز بازداشت شد. گرچه قطب‌زاده پس از چند روز آزاد شد، اما بنابر تصریح حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محمدی ری شهری رییس دادگاه انقلاب از تیش از آن پس

زندہ‌یاد احمد قدیریان در این باره گفته است:

«در بررسی‌های بیشتر پیرامون اقدامات گروه قطب‌زاده، ابتدا متوجه شدیم در کوچه نزدیک بیت امام خمینی(ره)، ساختمانی مشغول بنیاست که با هدایت ایسن افراد به منظور نفوذ در بیت امام ساخته می‌شود. در کنترل و مراقبت از این ساختمان متوجه شدیم چندین کیسه مواد منفجره در داخل کیسه‌های سیمان به این ساختمان برده شده است. این مواد منفجره قرار بود در این ساختمان جاسازی و در زمان مورد نظر منفجر شود و اگر ایسن انفجار انجام گرفته بود، بیت حضرت امام تخریب و آثاری از بیست‌یاقی نمی‌ماند، بنابراین کار ساخت و ساز در این ساختمان تعطیل و مواد منفجره ضبط و بر پرونده جنایات این گروه اضافه شد. با انجام تحقیقات گسترده معلوم شد کسی غیر از قطب‌زاده در ایسن ماجرا متهم نیست. البته در آن روزها، توطئه گروهک‌ها و ناآرامی‌هایی که آنان به وجود می‌آوردند و کارهای روزمره دادستانی به قدری زیاد بود که نتوانستیم آنگونه که باید عقبه این توطئه را به‌طور کامل شناسایی کنیم. هر چند مشخص بود که متهم این توطئه، جبهه ملی و نهضت آزادی و عوامل آنها بودند.

قطب‌زاده پس از بازجویی‌های متداول، به عمل خود اعتراف کرد و با حکم دادگاه انقلاب به سزای عمل خودش رسید، اما سایرین هم مانند جواد منافعی که یک روحانی بود، به خلع لباس و زندان محکوم شدند. در صورت پیروزی این کودتا، کاظم شریعتمداری شخصی بود که به جای حضرت امام خمینی قرار می‌گرفت. در این بازجویی‌ها و تحقیق‌ها، دخال، هدایت و موافقت شریعتمداری قطعی گردید و قرار شد خانه ایشان کنترل و رفت و آمدها زیر نظر گرفته شود. در این کودتا و براندازی، همچنین نقش امریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی به‌طور دقیق روشن بود. جبهه ملی که خود را در انقلاب صاحب نقش می‌دانست، با نفوذی‌های خود در شورای انقلاب توانسته بود امثال بنی‌صدر، قطب‌زاده و… را داشته باشد. قرار بود آنها در اداره حکومت کودتا، نقش اصلی را به عهده بگیرند و حرف اول و آخر را بزنند. در بین دستگیر شدگان، افرادی از جبهه ملی و نهضت آزادی دیده می‌شدند. مقابله با این اقدامات و توطئه‌ها و خنثی‌سازی آنها، خیلی ساده و آسان نبود. اگر به درون این توطئه‌ها دقت می‌شد، می‌فهمیدیم چقدر عظمت داشته است، اما ما متوجه عظمت آن نبودیم. خداوند این توطئه‌ها را خنثی نمود و شرّ آنها را به خودشان برگرداند…»

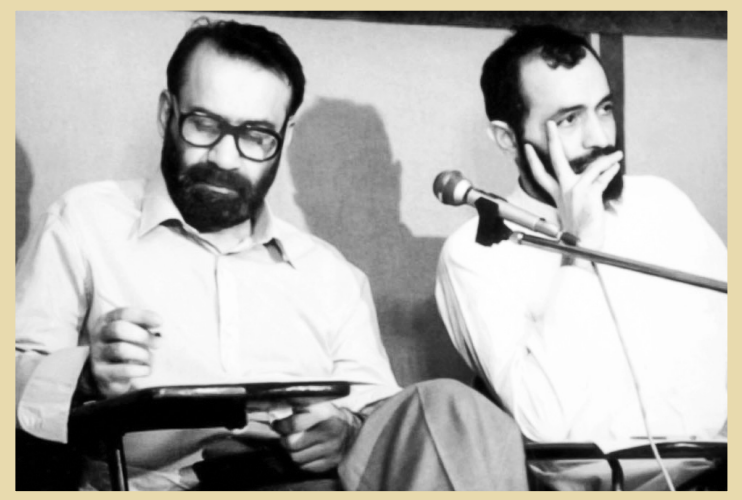
■ **کمک شریعتمداری به کودتای قطب‌زاده**

پروژه براندازی قطب‌زاده اما بسیط و ابتدایی می‌نمود. اعتمادهای او به همکارانش در کودتا، شاهدهی بارز این مدعااست. با این همه آنان نیاز داشتند تا برای امام خمینی جانشینی بترانند. از این روی و با توجه به شرایط مساعد آیت‌الله شریعتمداری برای این امر، وی به عنوان پشوتانه دینی عملیات انتخاب شد. برای پارهای اسناد گروه سلطنت‌طلب رضازاده، یکی از اعضای این گروه به نام سرهنگ صریفی، در بازجویی ۵مهر ۱۳۶۰ به نقل از یکی از همکاران قطب‌زاده گفت: قطب‌زاده به همراه تعدادی نظامی می‌خواهند حکومتی تشکیل دهند که او نخست‌وزیر باشد؛ ری شهری بی‌آنکه به هویت این نظامیان اشاره کند نوشته است: تا اینکه تعدادی از عناصر نظامی و غیرنظامی که قطب‌زاده می‌خواست با آنها همکاری کند (و در این رابطه می‌بایغ زیادی پول جهت همکاری به آنها داده بود)، مسئولان را در جریان فعالیت گسترده وی در رابطه با براندازی جمهوری اسلامی ایران قرار دادند. او همچنین از نوارهایی که در جلسات آقای قطب‌زاده در دست است سخن گفت، اما به نحوه ضبط این نوارها نپرداخت.

پس از دستگیری قطب‌زاده در ۱۷ فروردین ۱۳۶۱، حجت‌الاسلام سیدحسین موسوی تبریزی دادستان کل آیسراورد… به گفته محسن رضایی: عباسی داماد آقای شریعتمداری گفته است که آقای شریعتمداری نه تنها در جریان امر بوده، بلکه مبلغ ۵۰۰هزار تومان نیز به مهدوی پرداخت کرده بود… خود شریعتمداری نیز در گفتوگوی خصوصی با حجت‌الاسلام والمسلمین ری شهری –رئیس وقت دادگاه انقلاب ارتش که بررسی پرونده‌های کودتاهای نقاب و قطب‌زاده را بر عهده داشت– توضیحاً موضوع انتقال پول به کودتاجان را تأیید نموده و از اقدامات خود اظهار شیطمانی کرده بود؛ از اینکه فکر صحیح در این کار نکرده و گزارش اینها را شنیدهام و به مقامات به موقع اطلاع نداده‌ام. خودم را در پیشگاه خداوند مقصر می‌دانم و بسیار شیطانم…»

■ **گفتند منزل امام، محل بسیار مناسبی برای انفجار است!**
اعترافات قطب‌زاده پس از دستگیری، تصور بسیط وی از براندازی را عیان ساخت. همکاری با جمعی نامتجانس که هرگز نمی‌توانستند چنین حرکت خطیری را شکل دهند، لو رفتن خبر کودتا در میان بخشی از نخبگان سیاسی مدت‌ها قبل از وقوع آن، بر آورد ساده اندیشه‌انه از قدرت نظام اسلامی در شکست حرکت‌های مشابه، صحت این برداشت را گواهی می‌کند. این امر بعدها مورد اذعان وی نیز قرار گرفت. در یک مقال تاریخی، بخش‌هایی از اظهارات وی درباره فرآیند کودتا مورد نقل و نقد قرار گرفته است:

«روز ۱۷ فروردین ۱۳۶۱ بود که صادق قطب‌زاده به جرم توطئه نظامی به منظور براندازی جمهوری اسلامی بازداشت شد. کم‌کم مشخص شد یکی از اهداف این توطئه، از بین بردن امام خمینی بوده است. قطب‌زاده در اعترافش که



۱۳۶۱. صادق قطب‌زاده در دادگاه

از تلویزیون پخش می‌شد، در این باره گفت از مدتی قبل، حدود سه ماه قبل، از یک سازمان افسری با من تماس گرفتند و بحث و گفتوگویی پیرامون تحلیل ما از مسائلی که فعلاً در کشور ما می‌گذرد، شد. در این تحلیل من یک مقدار نقطه‌نظرهایی داشتم و آنها هم همچنین، بعد از قبول نقطه‌نظر‌های من و چارچوبی که باید در آن باشیم، بحث و گفت‌وگو راجع به قصد براندازی حکومت و نه نظام جمهوری شد که اطراف بیت امام چه می‌توان کرد و بر اساس این، بحث اول آنها صحبت از محاصره بود و آنها درباره محاصره، نقشه می‌خواستند. من این نقشه را توسط یکی از دوستان – که تهیه شده بود– به آنها دادم. یک نقشه عادی بود. آنها گفتند که این نقشه به نظر ما درست نمی‌آید و بنابراین لازم است ما از نزدیک برویم و آنها را ببینیم. آنها رفتند و من یکی از دوستانی که در آنجا منزلی بغل منزل امام داشتم، معرفی کردم و اینها رفتند و آن منزل را دیدند. در مراجعت وقتی نشستیم، صحبت کردیم، گفتند این منزل محل بسیار مناسبی است برای انفجار… وی درباره هدف آن بمباران تصریح کرد؛ هدف از بین بردن همه سران حکومت من جمله امام آبودا… بنا بر اعترافات قطب‌زاده قرار بود این امام را از دو طریق بکوبند؛ یکی با توپخانه، یکی هم احياناً با انفجار از داخل آن منزل. وی در این باره خاطر نشان کرد: آنها رفتند و نقشه را بررسی کردند و هفته بعد آمدند و گفتند ما فکر کردیم که هم نقشه کوبیدن آنجا باشد و هم به حالت خونخواهی اسام، بقیه کارها را انجام بدهیم و مردم هم در این باره بایبند و در واقع گنج بشوند که به کدام سمت بروند… او درباره نحوه بمباران بیت امام، صراحتاً اعتراف کرد: صحبت از این شد که می‌شود مواد منفجره را برد. صحبت از این بود که توسط مصالح ساختمانی که به آنجا می‌رود آبرده شود. این آقای که یکی از این افسرهاست گفت: من متعهد می‌شوم که از طریق مصالح ساختمانی، مواد منفجره را به داخل منزل ببرم، ولی خود او هم بعد از مدتی اصولاً به این نتیجه رسید که فقط راهش کوبیدن از دور است و از نزدیک امکاناتش بسیار ضعیف است… این توطئه نیز با هوشیاری نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشف شد و توطئه‌های دیگر علیه نظام از طریق به شهادت رساندن امام بر ملا گشت…»

■ **سرنوشت مرجع دینی کودتا**

از نظر بسا تحلیلگران، یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری، رفتن با طناب پوسیده قطب‌زاده و دیگران به درون چاه کودتا بود. آنان از نام و وجهه وی برای متقاعد کردن برخی افراد که اعتقاد مذهبی داشتند، استفاده کردند و نهایتاً با شکست کودتا او را به بن بستی بزرگ سوق دادند. تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی در یک تحلیل، م واقع را اینگونه انعکاس داده است:

«اوایل سال ۱۳۶۱، کودتای جدیدی کشف شد که در پی براندازی جمهوری اسلامی بود. کودتاگران سعی داشتند با انجام یک کودتای نظامی، امام خمینی را به شهادت برسانند و نظام اسلامی را براندازند. بعد از کشف کودتا معلوم شد صادق قطب‌زاده با همراهی سید کاظم شریعتمداری رهبری این کودتا را بر عهده داشتند. این بار، وی در شریعتمداری در کودتا مستقیم بود. او ۵۰۰ هزار تومان به کودتاگران کمک و اعتراف کرده بود در جریان کودتا بوده است، ولی اقدامی در جهت جلوگیری از آن به عمل نیاورده است. با کشف این کودتا، خشم مردم برانگیخته شد و با توجه به سوابق حمایتی وی از جریان‌های مخالف نظام، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در جلسه‌ای، مدم حمایت وی برای عملیات را تصویب کرد. با فاش شدن نقش شریعتمداری در کودتای قطب‌زاده، وی با ظاهری متفطر در صفحه تلویزیون ظاهر شد و ضمن استغفار تعهد کرد دیگر در امور مشابه شرکت نداشته باشد، اما از آنجایی که مشخص شد توطئه‌گران به سادگی از بیت شریعتمداری دست بردار نیستند و دالماً در حال توطئه هستند، راهی جز محدود کردن ملاقات‌های وی باقی نماند. از ایس‌رو ملاقات‌های وی محدود شد و این محدودیت تا پایان عمر وی ادامه داشت. بعد از کشف کودتای قطب‌زاده و افشای نقش شریعتمداری در آن باز هم مشخص شد امام خمینی پیش از ایسن بارها به شریعتمداری هشدار داده و به او توصیه کرده بود، اما او به این توصیه‌ها توجهی نکرد. چنانکه آیت‌الله محمدی ری شهری در خاطرات خود می‌گوید: روزی خدمت امام رسیدم و جزئیات مربوط به برخورد با آقای شریعتمداری توضیح دادم. امام از این پیشامد و سرنوشتی که آقای شریعتمداری پیدا کرده بود، بسیار متأثر بودند. با حالتی حاکی از تأسف و تأثر فرمود، من به ایشان گفتم این راه را که انتخاب کرده‌ای، برای شما روزی پیش خواهد آمد که هیچ کس نتواند از شما دفاع کند. و بعد افزودند: آن روز، امروز است…»

■ **کلام آخر**

مهم‌ترین درس کودتای قطب‌زاده برای مسئولان و مردم، آن است که برخورداری از سوابق مثبت و انقلابی برای کسی مصونیت نمی‌آورد و حتی ممکن است چنین فردی به کودتا علیه نظام اسلامی نیز سوق یابد. از سوی دیگر دستگاه‌های امنیتی نیز در برخورد با توطئه‌ها پیشینه‌های افراد را در اعمال قانون دخالت نمی‌دهند و با چنین مواردی به تناسب و جدیت برخورد خواهند کرد، چنانکه برای این امر، مواردی متعدد را می‌توان برشمرد.